

ناتوانی رسانه‌های غول‌آسای غرب در رقابت با یک پدیده کم‌اهمیت و ارزان!

دکتر نوشیروان کیهانی زاده

شرایط جدیدی که برای رسانه‌های معروف و پرمخاطب غرب - به ویژه آمریکا - پیش آمده، می‌تواند فرصت مطلوبی برای بازنگری در مورد باورهای ما در مورد رسانه‌های کشورمان، مخصوصاً رسانه‌های نوشتاری باشد



اگر ساخت ژاپن، ایتالیا و یا آمریکا باشد ۹۰ دلار قیمت دارد و در اصل، برای کشورهایی ساخته شده که دولت اجازه فعالیت کامل به شبکه اینترنت نمی‌دهد. اما «ای-میل» آزاد است و اینک این دستگاهها در همه جا به کار می‌روند.

به عبارت دیگر، لازم نیست که فرد برود و بگردد و یک «دیدارگاه خبری» پیدا کند؛ این صاحب دیدارگاه است که می‌آید و مشتری خود را پیدا می‌کند و همه و یا قسمتی از اطلاعات دیدارگاه خود را به «ای-میل» او می‌فرستد و هر لحظه هم که مطلب تازه‌ای به دست آورد که مورد نیاز مشتری باشد، فوراً برایش «ای-میل» می‌کند. این رسانه‌های انفرادی، رسانه‌های عمومی را در سرازیری قرار داده‌اند و تنها، مجله‌ها مخصوصاً مجله‌های تخصصی که مطالب خاص یا مشروح می‌نویسند، تاکنون از اثرات منفی این روند در امان مانده‌اند.

اگر یک روزنامه‌نگار بخواهد یک نشریه راه بیندازد و یا رادیو داشته باشد، به سرمایه‌ای دست کم معادل پانصد هزار دلار نیاز دارد و باید هزار دزد سر را تحمل کند. حال این که او اینک می‌تواند نشریه و رادیوی خود را با هزینه‌ای برابر ۵۰ دلار در ماه در اینترنت قرار دهد و به جای یک منطقه کوچک، به سراسر جهان بفرستد و بازاریابی هم بکند و مطالب را با «ای-میل» بفرستد.

«تونی ریدر» در همان میزگرد گفت رسانه‌های محلی هم رقیب بزرگی برای

رسانه‌های همگانی شده‌اند.

این «الکترونیک ادیشن» ها با نسخه‌های اینترنتی روزنامه‌های چاپی و رادیو-تلویزیونهای معمولی فرق دارند. به این ترتیب که یک یا چند روزنامه‌نگار پس از دایر کردن یک دیدارگاه (سایت) اینترنتی؛ مطالب را جمع‌آوری، دوباره نویسی و تکمیل می‌کنند و در دیدارگاه خود قرار می‌دهند. تا اینجا کار، کار تازه‌ای نیست. تازگی کار از هنگامی آغاز شده است که آنان برای هر گروه از مطالب خود مشتریان خاص به دست آورده و همه دیدارگاه و یا مطالب مورد نظر آنها را به صورت خلاصه و مشروح - هر دو قسم - حتی پیش از قرار گرفتن در اینترنت و بار مواردی بدون ظاهر شدن در «دیدارگاه» به «ای-میل» متقاضی می‌فرستند و او را از صرف وقت برای ورق زدن روزنامه و یا گوش کردن به رادیو و نشستن و خیره شدن به صفحه تلویزیون بی‌نیاز می‌کنند. لزومی هم ندارد که یک فرد برای دریافت و ارسال «ای-میل» که هر پیامش ممکن است یک روزنامه کامل باشد، کامپیوتر داشته باشد. در دو-سه سال اخیر، دستگاههای کوچکی مرکب از یک «کی بورد» و یک مانیتور کوچک که از داخل آن خارج می‌شود و هر دوی آنها مجموعاً از یک کتاب بزرگتر نیست، کار دریافت و ارسال «ای-میل» را انجام می‌دهند. می‌توان آنها را در هر اتاق به پریز تلفن متصل کرد و هزینه‌ای هم ندارد. این دستگاه اگر ساخت چین باشد، ۵۰ دلار و

دوشنبه دهم دسامبر (۱۹ آذرماه) شبکه تلویزیون عمومی آمریکا-PBS - میزگردی درباره کاهش جهانی توجه به رسانه‌ها ترتیب داده بود. در این برنامه که من آن را هشدار به صاحبان رسانه‌ها - نه ژورنالیسم - تلقی کرده‌ام، «تونی ریدر» وارث یکی از امپراتوری‌های بزرگ رسانه‌ای به نام «نایت ریدر» که ۷۲ سال پیش تأسیس شده و مالک دهها نشریه چاپی، رادیو، تلویزیون و یک خبرگزاری به همین نام است، گفت که رسانه‌های گروهی، هشت درصد از خوانندگان و بینندگان خود را از دست داده‌اند؛ از میزان آگهی‌ها ده درصد کاسته شده و چهارده درصد روزنامه‌نگاران باتجربه و حرفه‌ای به فعالیت خود در رسانه‌های همگانی پایان داده‌اند. ما زیر فشار هستیم؛ از درآمد شرکت من هرماه ۹/۵ میلیون دلار کاسته شده است. این در سراسری قرار گرفتن از سال ۱۹۹۷ آغاز شده و هر روز برشتاب آن افزوده می‌شود و....

«تونی ریدر» سپس به ذکر دلایل وقوع این بحران از دیدگاه خود پرداخت و ضمن آنکه «com/ee» را عامل عمده این بحران قلمداد کرد، توضیح داد که رسانه‌های معروف به الکترونیک ادیشن Electronic Edition به تدریج بازار را از دست رسانه‌های عمومی می‌گیرند و این «دات کام سلس ای. ای» ها هستند که باعث خروج روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و باتجربه از

نشریات وطن، این سنجش دشوار است، زیرا بهای تکفروشی بسیاری از نشریات به مراتب ارزانتر از هزینه تمام شده آنهاست، یعنی بسیاری از آنها از جایی یارانه می‌گیرند و اعلامیه‌های ماه گذشته دادگستری تهران هم حکایت از آن داشت. دادن یارانه به نشریه، جز در مورد مجله‌های اختصاصی و ارگان رسمی احزاب، در دنیای ژورنالیزم قابل قبول نیست و به غنی شدن محتوا و در نتیجه، افزایش سطح آگاهی مردم کمک نمی‌کند و سطح نیروی دانستن و فکر کردن بالا نمی‌رود و جامعه از قافله جهانی عقب می‌ماند.

به نظر می‌رسد که اوضاع افغانستان در آینده‌ای نزدیک به صورت عادی درآید و لذا نشریات ما، مخصوصاً مجلات باید خود را برای حضور در بازار تازه‌ای آماده سازند- بازاری که از آوریل ۱۹۷۸ دیگر وجود نداشت. افغانها از خوانندگان دایمی نشریات ایرانی بودند.

پیش از انقلاب، چند صباحی به دعوت آقای اعتمادی، سردبیر اسبق مجله جوانان، به نامه‌های فرهنگی خوانندگان این مجله پاسخ می‌دادم. هر هفته ده‌ها نامه در این زمینه به من داده می‌شد که بیش از ده درصد از آنها از افغانستان پست شده بود، مخصوصاً از شهرهای شمالی، مرکزی و غربی این کشور. کثرت این نامه‌ها، حکایت از تیراژ بسیار بالای نشریات آن زمان ما در افغانستان داشت. کاری که باید از هم اکنون مقدمات آن سرگیری آن آغاز شود. تاجیکستان به دلیل متفاوت بودن خط کتابت و استفاده از حروف "سیریلیک" نتوانست بازار نشریات ما باشد. در آن زمان نامه‌های متعددی هم از خوانندگان در بحرین، امارات، پاکستان و حتی بمبئی هند به دفتر مجله جوانان می‌رسید.

ما برای رسیدن به سطح ژورنالیزم مطلوب نباید رسانه‌های غرب را الگو قرار دهیم، آنها دیر زمانی است که از مسیر ژورنالیزم واقعی خارج شده‌اند و کار به جایی رسیده که "هنری کیسینجر" در مقاله خود در واشینگتن پست (مورخ ششم نوامبر) پنبه آنها را زد و نوشت که مقاله نویس‌ها (منظور غرب) تنها سیاست را دنبال می‌کنند و در راه اصلاح جامعه قدمی بر نمی‌دارند در حالی که آلودگی روزنامه نگار به سیاست یک فاجعه است.

وضعیت و سطح نیاز اعضای هر جامعه به متاع رسانه‌ها، اگر هر سال تغییر نکند، ارتقای آن هر دو- سه سال قطعی است، مگر این که در حالت جمود باشند؛ زیرا نیروی دانستن و فکر کردن انسانها در هر حال تغییر است، آن هم رو به بالا. مردم امروز مانند مردم ۲۰ سال پیش به اعلامیه‌های مشترک دولتها، نطقهای پیش و پس از دستور و سخنرانی‌های سیاسی توجه نمی‌کنند، زیرا بر آنان روشن است که دو صد گفته برابر نیم کردار نیست.

تا سه دهه پیش، گیرنده‌های اخبار



خبرگزاریها (تله پرینترها) با امواج کاری می‌کردند، بنابراین هر زمان که هوا خراب بود، پارازیت داشت و مثلاً اگر این خرابی در جریان مخابره نطق رییس جمهوری یک کشور روی می‌داد و قسمتی از نطق نمی‌رسید، واقعاً گیج می‌شدیم که چه بکنیم، اما امروز از چنین نطقی تنها یکی دو سطرش را استفاده می‌کنند و اگر اصرار بر چاپ و پخش تمام و یا قسمتی از آن باشد، قضیه به بخش آگهی‌ها احاله می‌شود و ...

یکی از قواعد سنجش نیروی دانستن و فکر کردن (Intellect) و احساس (Emotion) مردم هر جامعه، بررسی محتوای رسانه‌های آن جامعه با توجه به تیراژ آنهاست و اگر محتوا در استاندارد جهانی بالا نباشد، ولی تیراژ در مورد رادیو- تلویزیون، درصد شنونده و بیننده [بالا باشد، معلوم می‌شود که Intellect مردم آن جامعه رشد لازم را نداشته است. اما، در مورد

رسانه‌های سراسری و بزرگ شده‌اند، به این ترتیب که با استفاده از مندرجات همان "com.yee" ها که با "ای-میل" دریافت می‌کنند و یا دیدارگاههای دولتی، مطالب متنوع انتشار می‌دهند؛ مطالبی که قبلاً اختصاص به رسانه‌های سراسری داشت و به این ترتیب؛ رسانه‌های سراسری به صورت محلی (ویژه شهر محل انتشار خود) درآمده‌اند و مشتری و آگهی و اهمیت خود را از دست می‌دهند.

سایر شرکت کنندگان در میزگرد هم که مدیرانی نظیر "تونی ریدر" بودند، مطالب مشابهی بیان کردند که می‌خواهم از پشت میز تحریریه مجله گزارش نظر خود را در این زمینه بگویم تا جوابی هم برای آنان باشد.

اولاً پیدایش "دات کام سلس ای. ای" ها و دستگاههای "ای-میل" بدون کامپیوتر موهبت بزرگی است که باعث خرسندی و شغف روزنامه نگاران و نیز مردم حقیقت جو خواهد بود. صرفنظر از آمریکا و چند کشور دیگر که در آنجا انتشار نشریه نیاز به پروانه ندارد، در بعضی کشورها یک روزنامه نگار فرضاً باید سالهای متممادی در صف نوبت بماند تا به صلاحیت او رسیدگی کنند! و سرانجام هم ممکن است پاسخ، منفی باشد و یک دنیا تجربه به گور برود و جامعه هم از وجود او محروم شود. ولی این وسیله تازه، حلال مشکل شده است و اگر مدیرانی که در میزگرد "PBS" شرکت کرده بودند، از فواید غبطه و "رقابت" و اهمیت "مسابقه" در پیشرفت کار آگاه باشند، به جای نشستن و زانوی غم در بغل گرفتن، می‌توانند بروند و با این ناشران تازه در تهیه مطلب خوب و مورد نیاز رقابت کنند. رقابت برخلاف حسد و بخل، عملی است پسندیده که به پیشرفت می‌انجامد. اگر رقابت نبود "کیهان" و "اطلاعات" در دهه‌های گذشته تا این حد ترقی نمی‌کردند. خود من در جریان این رقابت شدید بودم و کار جالبی بود. و اما، قرار گرفتن "رسانه‌ها" در سراسر جهانی، تنها مربوط به پیدایش "دات کام سلس ای. ای" ها نیست، کالای خوب همیشه مشتری دارد. اگر نیاز مردم و انتظاری که از یک رسانه دارند، برآورده شود، هرگز از آن دست بر نمی‌دارند، به همان گونه که نمی‌توانند- حتی اگر بخواهند - از خوردن غذا و نوشیدن آب برای مدتی طولانی صرفنظر کنند.